



زمستان رخت برمیبندد
وبهار، دامن ارغوانی خود را
برگسترده زمین پهن میکند زندگی
از دل خاک جوانه میزند و مقدم
بهار را گرمی میدارد.



بهاران خجسته باد!
در آغاز سال ۱۳۹۶ خورشیدی سازمان
اتحاد فدائیان کمونیست با قلبی
سراسر از امید به آزادی، سعادت و
بهر روزی طبقه کارگر و توده های
زحمتکش مردم ایران و جهان،
فرارسیدن بهار زندگی بخش
و نوروز دل افروز را به همه شما شاد
باش می گوید.

در صفحه ۳

دست پخت دولت در تعیین حداقل دستمزدها. سرشکن کردن بار بحران و چپاول بردوش کارگران است

سرانجام شورای عالی کار شامل نمایندگان دولت، کارفرمایان و چند تن عوامل دیگر حکومت، تحت عنوان «نمایندگان» تشکلهای باصطلاح کارگری (بخوان شورای عالی سرمایه) بعد از چندین نشست و برخاست میزان حداقل دستمزد سال ۹۶ را تعیین کردند. به گفته وزیرکار: «حداقل دستمزد سال ۹۶ معادل ۱۴.۵ درصد نسبت به سال ۱۳۹۵ افزایش یافت.»

او افزایش حداقل دستمزد سال ۹۳ را ۲۵ درصد و با ملحقات ۳۱ درصد، سال ۹۴ را ۱۷ درصد و با ملحقات ۲۰.۵ درصد و سال ۹۵ را ۱۴ درصد و با ملحقات ۱۵.۳ درصد اعلام کرد.

ربیعی گفت: «بر اساس مصوبه شورای عالی کار، حداقل دستمزد یک کارگر ساده با ۱۴.۵ درصد افزایش به رقم ۹۳۰ هزار تومان در ماه رسید. همچنین دستمزد روزانه ۳۰۹۹۷۷ ریال تعیین شده است. به کارگران ساده‌داری بیش از یک سال سابقه‌کاری که کارگاه آنها فاقد طرح طبقه‌بندی مشاغل محسوب می‌شود، به ازای هر روز ۱۷۰۰ تومان پایه سنواتی تعلق می‌گیرد، براین اساس ماهانه به چنین کارگرانی مبلغ ۵۱ هزار تومان دیگر تعلق خواهد گرفت. براین اساس مزایای پایه سنواتی کارگران معادل ۷۰ درصد افزایش یافته است.»

در صفحه ۲

با اتحاد و گسترش مبارزه، به استقبال سال جدید برویم

مداخلات آنها در کشورهای دیگر بمنظور تجدید تقسیم مناطق نفوذ، میلیونها نفر قربانی شدند. میلیونها نفر از خانه و کاشانه خود آواره و در شرایط طاقت فرسائی زندگی میکنند. رشد گرایش‌های راست ناسیونالیستی، تمایلات فاشیستی و نژادپرستانه سویه دیگر تحولات سال گذشته بود که قدرت گیری جریان‌های پوپولیستی و راست افراطی را در کشورهای مختلف سرمایه داری، به همراه داشت.

ادامه در صفحه ۶

سال گذشته بحران‌های اقتصادی همچنان ادامه داشته و اثرات ویرانگر خود را بر زندگی و معیشت انسانهای روی زمین بصورت افزایش فشار بر طبقات محروم و گسترش دامنه بیکاری، قحطی در کشورهای فقیر، بویژه کشورهای آفریقائی و جنگ و کشتار و آوارگی در منطقه خاورمیانه و سرکوب جنبش‌های اجتماعی مترقی و انقلابی، برجای گذاشته است. در اثر سیاست‌های دول امپریالیستی و صاحبان قدرت و

::: اطلاعیه های سازمان :::

**کارگران گروه صنعتی ملی فولاد اهواز
و کارگران معترض سایر مراکز تولیدی
را به اعتصابات تظاهراتی فرامیخوانیم.**

در صفحه ۱۰

**زنده باد هشتم مارس، روز همبستگی
انقلابی با مبارزه زنان در سراسر جهان!**

در صفحه ۱۰

::: یادها :::

بیاد مارکس

در صفحه ۱۱

گرامی باد یاد رفیق مسعود

در صفحه ۱۲

احمدزاده

ادامه در صفحه ۴

دست پخت دولت در تعیین حداقل دستمزدها،

سرشکن کردن باربحران و چپاول بردوش کارگران است

وزیر کار همچنین در مورد افزایش مزدی کارگران مشمول طرح طبقه‌بندی مشاغل (سایر سطوح مزدی) گفت: «طبق مصوبه شورای عالی کار از ابتدای سال 96 درآمد ماهانه این کارگران به میزان 12 درصد آخرین مزد سال 1395 به اضافه روزانه 6768 ریال افزایش می‌یابد. مزایای بن کارگری و حق مسکن نیز همان مبالغ 110 هزار تومان و 40 هزار تومان سابق تعیین شد که نسبت به سال جاری تغییر نکرده است.»

به عبارت دیگر حقوق پایه کارگران با افزایش 14 درصدی در 930 هزار تومان تثبیت شده است بعلاوه رقم ثابت روزانه 6768 ریال بعلاوه 12 درصد برای برای مشمولین طبقه بندی مشاغل و پایه سنوات 52 هزار تومان و سایر مزایا نظیر بن کارگری و حق مسکن ثابت مانده است. و این در حالی است که کارگروه تخصصی مزد پیش از آن حداقل هزینه معیشت یک خانواده 3.5 نفره را 2 میلیون و 489 هزار تومان برآورد کرده بود.

این تصمیم ضدکارگری شورای عالی کار نه تنها تناسبی با سبب معیشتی واقعی کارگران ندارد، حتی با ادعاهای تشکل‌های وابسته به حاکمیت و سرمایه داران نیز مغایر است که گفته بودند شرکای سه جانبه درباره حداقل هزینه معیشت یک خانواده 3.5 نفره روی مبلغ 2 میلیون و 498 هزار تومان توافق کرده اند. درباره این مصوبه نمایندگان تشکل‌های زرد و وابسته کارگری قبل از این با تبلیغات زیادی مدعی ترمیم فاصله مزد و معیشت

بودند و اینک که حداقل تعیین شده هیچ قرابتی با حداقل هزینه معیشت مورد ادعای این باصطلاح نمایندگان کارگری ندارد، لام در کام فرو بسته اند و بدین ترتیب معلوم میشود که ادعای آقایان از موضع مستضعف پناهی، دروغ بوده و داشتند سرکارگران را شیره میمالیدند تا به چانه زنی‌های درون شورای ضد کارگری کار امیدوار باشند.

روند تبلیغات قبل از اعلام حداقل دستمزد و اکنون تعیین پایه دستمزد چهار برابر پائین تر از خط فقر، مبین این واقعیت است که تمامی این اقدامات بمنظور فریب کارگران و زحمتکشان و تامین منافع سرمایه داران و پاندهای حکومتی صورت گرفته و از قبل برنامه ریزی شده بوده است.

تعیین میزان حداقل دستمزد ماهیانه 930 هزار تومان به معنی ادامه تشدید فقر و سیه روزی کارگران و و تبعات اجتماعی غیر قابل جبران بر خانواده‌های آنان، بویژه جوانان محسوب میگردد. چنین تصمیمی نشاندهنده این واقعیت نیز هست که‌های و هوی درباره تغییرات در قانون کار فی الواقع هیاهویی است از برای هیچ و بمنظور فریب کارگران انجام میگردد. چراکه مصوبه اخیر شورای عالی کار نشان میدهد که عملاً قانون کاری وجود ندارد که بخواهند اصلاح اش کنند.

بر اساس ماده 41 قانون کار: «شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید. 1- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد

تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود.

2- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام میشود را تامین نماید.

تبصره- کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید پرداخت ننمایند و در صورت تخلف ضامن تادیه مابه التفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید می‌باشند.»

اما آیا در تعیین دستمزد ماهانه حتی این قانون رسمی کار، مراعات شده است؟ روشن است که نه! چراکه حداقل تعیین شده بدون در نظر گرفتن حداقل سبب معیشتی کارگران که در ماده 41 بر آن تاکید شده، تعیین شده است. تعیین حداقل دستمزد ماهانه 930 هزار تومان حتی با هزینه سبب معیشتی 2 میلیون و 500 هزار تومان مورد توافق و تصویب آقایان نمایندگان دولت، سرمایه داران و نوکران آنها، بیش از یک و نیم میلیون تومان فاصله دارد.

شواهد نشان میدهد که رژیم از فرصت پراکندگی و عدم انسجام طبقه کارگری استفاده میکند تا بار بحران اقتصادی و فساد گسترده را بردوش کارگران تحمیل کند.

کارگران ایران بویژه کارگران پیشرو باید بدانند که شعبده بازیهای دولت، کارفرمایان و تشکل‌های وابسته، تنها بمنظور فریب و در نهایت سرکوب آنان برنامه ریزی شده است. نگاهی به برنامه ششم توسعه اقتصادی و بودجه

بهاران خجسته باد!



زمستان رخت برمیپندد و بهار، دامن ارغوانی خود را برگستره زمین پهن میکند زندگی از دل خاک جوانه میزند و مقدم بهار را گرمی میدارد.

بهار آغازی نورا نوید میدهد و آرزوهای فروخته را بیدار میکند و پیروزی نو برکنه را درگستره جهان هستی به نمایش میگذارد. فصلی که مرز نمیشناسد در هر گوشه ای از جهان هستی که قدم بگذارد شکفتن را بشارت میدهد.

بهار در ایران جمهوری اسلامی زده ما، در بیغوله های فقر و تنهایی در دلهره های بیکاری و گرسنگی، اعتیاد و تن فروشی و در کارخانه ها و مزارع، در پشت میله های زندان و در تظاهرات و اعتصابات کارگری نیز سرک میکشد و در نفرت فشرده لگدکوب شدگان، در مبارزات توده های کارگر و زحمتکش سراسر ایران و عزم پولادین مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم امید پیروزی را زنده نگه داشته و پیروزی نو برکنه را نوید میدهد.

سالی که گذشت تداوم تعرض به حقوق و معیشت کارگران، معلمان و سرکوب حرکت اعتراضی آنان همراه با گرانی مایحتاج عمومی، سطح پائین حقوق و دستمزد ها، گسترش اعتیاد، فحشا، فساد، دزدی و غارت و چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان توسط مافیای قدرت و ثروت حاکم بر کشور و تحدید مداوم آزادیهای سیاسی و فردی و اجتماعی

و محروم نمودن افراد جامعه از حق تشکل مستقل و آزادی بیان و اندیشه و.. روزهای سختی را برای مردمان کارگر و زحمتکش و طرفداران آزادی اندیشه و قلم و بیان در پی داشت.

در عین حال در سال گذشته اعتصابات، تظاهرات و اشکال دیگر مبارزات طبقه کارگر، زنان، دانشجویان، معلمان، پرستاران، خلقهای تحت ستم و افسار زحمتکش جامعه و طرح خواسته های آزادی خواهانه برابری طلبانه، این چشم انداز را در همه ما و در سطح عمومی جامعه تقویت کرد که قدر قدرتی ارتجاع حاکم دیری نخواهد پائید و سرانجام آزادی برابری و سوسیالیسم بر استبداد و خودکامگی و ستم و استثمار پیروز خواهد شد.

و انسانهای آزادیخواه و مبارز

با آغاز بهار 96 همراه با دلپذیر شدن هوا و برمدیدن گل از دل خاک، به افق روشن فردای آزادی امید وار باشیم و با تشدید مبارزه برای سرنگونی نظام حاکم، در واقعیت بخشیدن به امید و آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه خود گامی به پیش برداریم. باشد تا نوروز دلپذیر بهار آزادی، بار دیگر برگردد و گام درخاکی نهد که هزاران هزار انسان به خاطرش جان فدا کرده اند.

در آستانه بهار و ایام نوروز از یاد نبریم

انبوهی از کارگران را که ماه هاست حقوق دریافت نکرده اند، فراموش نکنیم زحمتکشانی را که بیکاری و گرانی هست و نیست شان را بر باد داده و آهی در بساط ندارند و در پیش فرزندان خود شرمنده هستند. بیاد بیاوریم زندانیان سیاسی را که در این ایام به خاطر دفاع از آزادی، نه در میان خانواده های خود بلکه پشت میله های زندان در تنهایی به سر میرند و بیاد بیاوریم هزاران هزار انسانهایی را که در این سی و نه سال حاکمیت جمهوری اسلامی، در زیر شکنجه ها و در میدان تیر و در پای چوبه های دار، آزادی را فریاد زدند و به خاطر آرمانهای انسانی و سعادت و رفاه و رهائی انسان از قید و بند زور و سرکوب و ستم و استثمار جان خویش را فدا کردند.

نوروز و دید باز دید های آنرا فرصتی بشماریم برای تبادل نظر و اطلاعات درباره مبارزات پرفراز و نشیب گذشته و اندیشه درباره چه باید کردهای آینده و تلاش برای زدودن بی باوری حاکم بر اراده ها و ترس و وحشت از قدر قدرتی رژیم و اشاعه آگاهی و فرهنگ اتحاد، مبارزه و مقاومت در میان کارگران و توده های زحمتکش مردم.

نوروزتان پیروز باد!

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

26 اسفند 1395

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نتیجه سه دهه مبارزه طبقاتی و از دل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پدید آمد و با نقد مواضع و انحرافات آن و با تغییر نام آن به سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نهمین نشست خود در سال ۱۳۷۵ تداوم فعالیت خود را تحت نام، ارگان و مواضع جدید که از نقد گذشته و تحلیل شرایط حاضر بر می خاست آغاز نمود. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در عین حال تجلی وحدت بخشی از محافل و نیروهای کمونیست سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است.

حجاب و جنبش جهانی زنان

نوشین شفاهی

حق سقط جنین در برخی از کشورهای دیگر نیز از طرف کلیسای ها و پرو-لایف ها همواره مورد حمله قرار گرفته است. یک روز بعد از مراسم تحلیف ترامپ، میلیونها زن در آمریکا به خیابانها آمدند و در حمایت از آنان زنان بسیاری در اقصاء نقاط جهان هم در اعتراض به حملات فاشیسم علیه زنان تظاهرات کردند.

بدنبال منع ورود پناهنده ها و توریستهای 7 کشور به آمریکا هم، زنان زیادی با حضور در فرودگاهها به حمایت ممنوع الوردوها برخاستند و برخی از آنان حجاب اسلامی هم سر کردند. البته با توجیه همدردی با زنان مسلمانان، این زنان با پوشیدن مظهر بردگی زن در اسلام به این اسارت در واقع ویزا داده و مهر تایید زدند. اینها کیسههای ایزوله ای نیستند بلکه در چند سال اخیر، غرب با سکوت و تمکین به رعایت آداب ضد زن ارتجاع اسلامی، عملاً به زنان تحت ستم در این کشورها و مبارزه شان دهن کجی کرده و در نرمالیزه کردن این ستم با دولتمردان اسلامی کمال مشارکت را داشته است. دولتمداران ایتالیا بخاطر بازدید روحانی بر سر مجسمه های زن، چادر انداختند و دولت- زنان سوئد هم در ایران خفت و خواری پوشش اسلامی را بنفع قراردادهای سیاسی- اقتصادی بجان خریدند.

یکی از سازماندهندگان راهپیمایی واشینگتن خانم "لیندا سارسور" بود که افتخارش این است که مقنعه و مانتو اسلامی را آزادانه انتخاب کرده است. او از مروجین قانون شریعه است و به حماس تعلق خاطر سیاسی

دارد. اینکه یکی از سازماندهندگان تظاهرات زنان یک جناح اسلامی باشد نه خنده دار که بسیاری نگران کننده و هراسناک است. اسلام مسئول یکی از بدترین و هولناکترین خشونتها علیه زنان و کودکان، دستکم در تاریخ معاصر است و نماینده هایش با وقاحت زیاد، در حال خزیدن در درون جنبشها و نهادی سیاسی-دموکراتیکی هستند که حیات سیاسی شان بر مبارزه علیه تک تک آن خشونتها در جامعه بنیاد گذاشته است.

بهر رو و خوشبختانه این راهپیمایی توانست به یک حرکت جهانی منجر شود، و افکار عمومی را در سطح جهان متوجه خواسته ها و مبارزه اش کند. طبعاً میتواند به یک کمپین جهانی علیه تمام فرمها و اشکال زن ستیزی در تمام جهان هم تبدیل شود. ولی همین واقعیات تلخ مزبور موانع جدی ای را پیش پای این جنبش و بوجود آوردن یک همصدایی جهانی ایجاد میکند.

از طرف دیگر فعالین اعمال قوانین شریعه هم بیکار ننشسته اند. آنها در کنار نیروهای سرکوب دولتی و محدودیتهای بوروکراتیک و سیاسی دولتی به تخریب جنبش حق طلبی زنان مشغولند. دستجات ارتجاعی و جناحهای اسلامی در خود جنبش زنان با توجیهات و محمل های مختلفی، از این جنبش پلاتفرمی برای ترویج ارتجاع و پیشبرد قوانین سکسیستی اسلامی ساخته اند. بخشی از فمینیسم حاکم بر جنبش جهانی زنان نیز با ساپورت کردن این اسلاميون، جنبش جهانی زنان را از درون دارد آلوده میکند. انتظار دیگری هم از این اسلاميون نمیشود داشت. ولی جناح مصالحه گر فمینیسم ترجیح میدهد که این بیحقوقی زنان در اسلام محلی از اعراب در مواضعش نداشته باشد. این جناح از فمینیسم ابتدا با نسبیت فرهنگی

جلو آمد و اکنون با این توجیه که دارد با پناهنده/مهاجر ستیزی اولترا راست مقابله میکند، عملاً بخشی از صحنه را برای این دسته جات خالی گذاشته که از اسلام اعاده حیثیت کرده و آنرا با کُد گذاریهای جدیدتری اعتبار ببخشند.

در راهپیمایی بزرگ زنان در آمریکا؛ زنان فعال مسلمان هم بودند البته با حجاب کاملشان! و باز هم البته در دستور کار این راهپیمایی فقط مسئله زنان مطرح نبود بلکه مطالبات و خواسته های دیگری هم از جمله محکوم کردن پناهنده/مهاجر ستیزی، جنگ طلبی و لغو و جایگزینی بیمه درمانی هم پیش برده شد. طبعاً بخشی از این زنان با انگیزه اعتراض به سیاستهای ضد مهاجری کابینه ترامپ به خیابان آمده بودند. ولی بسیاری از آنان خود را فعال حقوق زنان البته از نوع حقوق اسلامی اش! میدانند و اساساً انگیزه محوری این راهپیمایی هم، اعتراض به سیاستهای زن ستیزانه ترامپ بود.

حال این زنان محجبه که برخی از آنان سخنگویان اصلی جنبش " قانونی کردن قوانین شریعه در آمریکا" هستند را کجای جنبش زنان باید جای داد و هویت مبارزاتی جنبش زنان را با حضور اینان چگونه باید باز تعریف کرد خودش به اندازه کافی تأثیر برانگیز است، ولی پیامد این گل و گشاد بازی سازمان دهندگان این راهپیمایی خون انسان را برآستی بجوش می آورد. چطور باید اجازه داد که منادیان قانون شریعه، بنیانی ترین رکن پرنسپ سیاسی-اجتماعی جنبش زنان را به ریشخند بگیرند؟ این زنان خود با پرچم اسارت زنان که حجابشان است به خیابان آمده اند که چه بشود؟ در کشورهایی که حجاب زنان اجباری است قضیه فرق می کند ولی در کشورهای غربی حجاب زنان

حجاب و جنبش جهانی زنان

محببه، هر گونه ادعا و شعاری مبنی بر برابری طلبی و حق خواهی را خود به خود نقض و منتفی می کند. آفتاب آمد دلیل آفتاب.

چرا جنبش زنان حتی با آن فمینیسم بورژوازی اش این تحجر را باید تحمل کند؟ اینان در واقع امر آمده اند تا به تتمه دستاوردها و پیشرفتهای صد سال اخیر زنان دستبرد زده و آنرا لوٹ کنند. بنابراین باید فریبکاری این دار و دسته را افشا کرده و آنان را در صحنه های واقعی مبارزه با سرمایه داری و ارتجاعش بویژه ارتجاع سیاه اسلامی تاراند.

با نگاهی به بازیهای سیاسی غرب با ارتجاع اسلامی و لاس زدندش با این جنایتکاران، میشود منشاء این ساخت و پاختهای سیاسی-

مذهبی را پیدا کرد. و همینطور فعل و انفعالات سودآوری و بازار سازی سرمایه که به کمپانیهای زیادی فرصت داده که از نمذ سرکوب زنان برای خودشان کلاهی بدوزند.

انعکاس این واقعیات مادی و اجتماعی است که نگاه و موضع فمینیسم در داخل جنبش زنان را تحت تاثیر قرار داده است. به آن

اندازه که، برای تعریف بیحقوقی جنسی از تبصره های اسلامی نیز استفاده کرده و میلیونها زن را در کشورهای اسلامزده از

این بیحقوقی معاف کرده و زنان نماینده اش در غرب را به درون جنبش زنان مهمان کند.

بهتر است به این فاکتها توجه شود:

- در سال 2013 در اول فوریه خانم "نرما خان" این روز را بعنوان روز حجاب جهانی اعلام کرد. ایشان از فعالین قانونی کردن

قوانین شریعه در آمریکا هستند و هر ساله فعالین قانون شریعه برای جلب افکار عمومی از زنان غیر مسلمان میخواهند که این روز

را در حمایت از زنان مسلمان با حجاب بگذرانند. و در کمال تاثیر بسیاری از زنان

غیر مسلمان و لیبرال و صد البته فمینیست! در این روز مشارکت کرده و برای یک روز محببه میشوند. نکته قابل توجه این است که

خانم "نرما خان" صاحب یک شرکت روسری سازی مستقر در بروکلین-نیویورک است. و تلویزیون "اهل بیت" که ایستگاهش

در کالگری-کانادا است یکی از مبلغین این خانم است و این تلویزیون ادعا دارد که

دانشگاه کالگری خود را بعنوان منبعی برای مشارکت و ترویج ایده "روز جهانی حجاب" میدانند. این تلویزیون استدلال می کند که

حجاب توجهات غیر اخلاقی را از زنان دور می کند!!! -طراح بورکینی خانم "آهیدا زانتی" است که

صاحب شرکت طراحی لباس در استرالیا است و اعتقاد دارد که با طرح بورکینی نه در

صدد محدود کردن آزادی زنان مسلمان بلکه دادن آزادی بیشتر به آنان بوده است. یعنی،

از آن دوزخ پوشش اسلامی روزنی را باز کردن "آزادی" محسوب میشود!؟

- نایک فروشنده محصولات ورزشی هم چند روز پیش، درست چند روز قبل از روز جهانی زن، محصول جدیدش را به اسم

"حجاب" معرفی کرد. "حجاب" پوششی برای زنان ورزشکار از پارچه مخصوص قابل انتقال هوا است و نایک تضمین می کند

که این پوشش محکم روی سر را می پوشاند و تکان نمی خورد. این محصول سال آینده

وارد بازار فروش میشود. خیال اسلامیستها هم راحت شد که در همین چند رشته محدود

ورزشی که زنان اجازه شرکت در آنها دارند، موهایشان بقصد اغوای مردان مسلمان

از حجابشان به بیرون سرک نکشیده و به گناه آلوده نمی شونند!

"حجاب" نایک و "بورکینی" آهیدا نه فقط بدنبال تسخیر آخرین بازارهای باقیمانده

فروش جهانی هستند بلکه رسماً پوشش تبعیض گرایانه اسلامی علیه زنان را

نرمالیزه و کمرنگ کرده اند. حجاب و پوشش اسلامی نه بیان یک سلیقه فردی در

مد بلکه ابراز یک نگاه و اعمال یک رفتار سرکوبگرانه نسبت به زنان و قلمداد کردن

آنان به عنوان انسانهای درجه چندم و نماد یک خشونت علیه نیمی از انسانهای این

جوامع اسلامزده است. بنابراین نه در قاموس "جهانشمول" بودن جنبش زنان می گنجد که

نسبت به این خشونت آشکار بی اعتنا باشد و کم کاری کند، و نه همان برابری طلبی نصفه

و نیمه فمینیسم حاکم بر این جنبش را توجیه می کند. این جنبش نیاز دارد نسبت به امر

زنان بویژه در کشورها و مناطق اسلامزده بیش از این پرو-اکتیو بوده و حداقل در

کشورهای غربی امکان هرگونه لابی گری و گرفتن امتیازی را از اینان بگیرند.

"اسلاموفوبیا" هم اختراع همین جماعت در کشورهای غربی می باشد که خود کلاه

شرعی ای در غرب برای حفه کردن صدای هر گونه مخالفتی علیه بردگی زنان در اسلام

شده است. مخالفت با پوشش اسلامی را نقض حقوق شهروندی مسلمانان، ضدیت با آنان و

مهاجر ستیزی معرفی گشته و در کنار حامیان لیبرالشان آنها تبدیل به چوب تکفیری علیه

هر گرایش و هر کسی که علیه ستم و جنایت اسلام (چه بشکل دولتی آن و چه عرفی) نسبت به زنان معترض باشد، کرده اند.

با اتحاد و گسترش مبارزه، به استقبال سال جدید برویم

درايران بحران اقتصادی و اجتماعی ریشه دارتر از آن بوده است که آمارهای رشد اقتصادی مبتنی بر محاسبه درآمد نفت حتی بتواند ظاهر قضیه را بیوشاند. اکنون همه میپرسند که اگر ایران از «رشد» اقتصادی 7 درصد برخوردار شده است پس چرا سفره های مردم خالی است؟ ماه ها از پرداخت حقوق کارگران خودداری میکنند و هر روز بر شمار بیکاران، کارتون خواب ها، معتادین .. و افزوده میشود؟ بحران اقتصادی و فسادى که تار و پود رژیم و سران آن را دربر گرفته است، کم سابقه و حتی بی سابقه است. به همراه فساد، دزدی اموال عمومی، قاچاق، اختلاس های میلیاردی و تشدید بی سابقه استثمار و بی حقوقی نیروی کار و زحمت، گرانی و محرومیت میلیونها نفر از حداقل معیشت، اعتیاد، فحشا، نابسامانیهای گریبانگیر خانواده ها، جان را به لب مردم رسانده است. شکاف عظیم طبقاتی به حدی رسیده است که انفجارهای اجتماعی را در چشم انداز آینده محتمل مینماید.

سیاست های اقتصادی رژیم در سال گذشته نه تنها این شکاف طبقاتی را کم نکرده بلکه در آستانه سال جدید این شکاف عمیق تردهان گشوده است و این اوضاع مبین این واقعیت است که اقلیتی بسیار کوچک از صاحبان ثروت، سران حکومت و وابستگان به آنها تمام ثروت کشور و منابع طبیعی را در انحصار خود گرفته اند. و بوسیله سرکوب و سرنیزه و نفی ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی، از موقعیت خود در برابر توده های معترض، محافظت میکنند.

این وضع بدون تردید سال دیگر تشدید خواهد شد. چراکه برنامه اقتصادی تنظیمی دولت بر مبنای «اقتصاد مقاومتی» ولی فقیه، هدفی جز تحمیل ریاضت اقتصادی و فشار سیاسی بیشتر به طبقه کارگر و زحمتکشان راندنبال نمیکند. اکنون در حالی وارد سال جدید میشویم که میلیونها نفر از تامين حداقل های زندگی خود محرومند، رشد معضلات اجتماعی، محیط زیستی، زندگی نسل های آینده را نیز تهدید میکند. اینها و عوامل متعدد دیگر زمینه های عینی اعتراضات کارگران و زحمتکشان در ماه های اخیر بوده است.

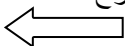
در سال گذشته تقریباً روزی نبود که در گوشه و کنار کشور شاهد اعتصابات و اعتراضات نبوده باشیم. در هفته های منتهی به آخر سال شاهد اعتراضات وسیع و توده ای مردم خوزستان در اعتراض به قطع آب و برق و گرد و خاک ناشی از ریزگرد هابودیم که بدلیل سیاست های خانمان بر انداز رژیم در جهت تامین منافع و سود های سرمایه داران و اعوان و انصارشان بر محیط زیست وارد کرده اند، تنفس را برای مردم دشوار کرده است. توده های مردم در اعتراض به حکومت گران که تنها به فکر پر کردن جیب های خود هستند، به خبابانها آمدند و بانیروهای سرکوبگر درگیر شدند. هم اکنون کارگران ده ها کارخانه و مراکز صنعتی در اعتراض به تعوق های طولانی در پرداخت دستمزد ها، فقدان امنیت شغلی در حال اعتصاب و تجمع هستند. شرکت رژیم در کشمکشهای منطقه، اوضاع بحرانی در مرزهای کشور، اعتراضات گسترده، همه و همه نشاندهنده این واقعیت است که در سال 95 بموازات تشدید فشار اقتصادی و ادامه

سرکوب و اختناق، مبارزه نیز در سطح گسترده ای ادامه داشته است.

در سال گذشته عوامفریبی های «اصلاح طلبان» و «اعتدال» گرایان که با قول بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی، با «لیست امید» وارد مجلس شدند، نه تنها در زمینه بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی قدمی برنداشتند بلکه خود میسر و پشتیبان تمام سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی حکام بودند. سکوت معنی دار این به اصطلاح نمایندگان در برابر اصلاحیه قانون کار و چگونگی مواجهه آنان با تجمعات اعتراضی کارگران، معلمان و بازنشستگان در برابر مجلس ارتجاع، خود افشاگر چهره واقعی آنان و دروغ بودن وعده و وعید های انتخاباتی شان طی یکسال گذشته بود.

سال گذشته برغم سرکوبگریهای رژیم و فشارهای امنیتی بر فعالان کارگری، روزنامه نگاران، معلمین، زنان و جوانان فعالین محیط زیست و بستن نشریات، کنترل وسایل ارتباط جمعی، اما فعالین جنبش های اجتماعی از هر روزنه ای استفاده کردند تا در مقابل ظلم و ستم و استثمار و تحمیل بی حقوقی بایستند و دستگاه های جهنمی رژیم نتوانست سکوت قبرستانی را بر جامعه حاکم گرداند.

با همه این حال پراکندگی و فقدان اتحاد بین جنبش های اجتماعی بویژه مبارزات گسترده کارگران، این فرصت را در اختیار حکومت قرار داده است که بتواند با توسل به سرکوب و تفرقه و فریب، از زیر بار پاسخگوئی به مطالبات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان شانه خالی کند و تا جایی که میتواند بار بحران اقتصادی و مخارج



با اتحاد و گسترش مبارزه، به استقبال سال جدید برویم

سنگین دستگاه های نظامی امنیتی و تبلیغاتی خود را بردوش آنها سرشکن کند.

سال آینده با توجه به تداوم رکود در تولید و پائین آمدن قیمت نفت و مخارج سنگین دخالت های نظامی در درگیریهای منطقه و احتمال تشدید تحریمهای آمریکا، طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه با فشار اقتصادی و سیاسی بیشتری مواجه خواهند شد. تنها تداوم مبارزات کارگران، جوانان، زنان و سایر جنبشهای اجتماعی و گسترش این مبارزات است که میتواند رژیم را به عقبنشینی واداشته و خواست و مطالبات توده های رنج و کار را متحقق سازد. اما روشن است که پایداری و اتحاد نیروها در این پیکار بزرگ هنگامی به پیروزی نهائی خواهد رسید که در جریان گسترش مبارزات کوچک و بزرگ، خود را در تشکلهای طبقاتی متشکل و متحد کرده و چشم انداز سرنگونی انقلابی رژیم را در افق مبارزات خود بگشاید و خود را برای بدست گرفتن سرنوشت خویش آماده سازد.

در ماه گذشته اعلامیه ها و بیانیه

های مختلفی بمناسبت

رویدادای سیاسی از طرف

شورای مرکزی و کمیته های

سازمان منتشر شده است.

برای مطالعه آنها به سایت

سازمان مراجعه فرمائید.

www.fedayi.org

زنده باد هشتم مارس، روز همبستگی انقلابی با مبارزه زنان در سراسر جهان!

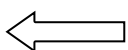
مدعی دموکراسی و برابری زنان در دنیا است، هم اکنون طبق آمار سازمان عفو بین الملل از هر ده زن یک نفر در ملاء عام مورد خشونت قرار میگیرد. زنان و دختران از سن ۱۴ سالگی در خانه و خیابانها و در محیط های کار و تحصیل مورد خشونت کلامی و رفتاری جنسی قرار میگیرند و همچنین از هر ۱۵ زن آمریکایی دو زن در سال، محل تحصیل و کار خود را تغییر می دهند و علت اصلی آن را آزار های جنسی و رفتارهای خشونت آمیز مردان اطراف محل کار یا تحصیلشان به آنها اعمال میشود، ذکر میکنند. علاوه بر آن ده ها مورد بی حقوقی و تبعیض جنسی و خشونت بر علیه زنان در آمریکا یکی از مشکلات بزرگ این کشور محسوب میشود.

اما در مقایسه با آمریکا و اروپا کشورهای سرمایه داری نظیر ایران و بویژه افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، یمن، عربستان و کشورهای حاشیه خلیج، آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا، که بیشتر آنها با جنگ های خانمانسوز مواجه اند، به جهمی برای زنان درآمده است. میلیونها زن در این کشورها ی جهان به بردگی جنسی کشیده میشوند.

مردسالاری و کشتار زنان و دختران بدست مردان خانواده، سنگسار، شوهر دادن اجباری به مردان مسن، به کارگرفتن دختران کم سن و سال در کارگاه ها و کارخانه ها، فروش دختران کم سن و سال بمنظور سوء استفاده جنسی در کاباره ها و عیاشخانه های کشورهای معظم سرمایه داری، همه

هشتم مارس روز جهانی همبستگی با مبارزه علیه نابرابری زنان، تبعیضات جنسی، مبارزه علیه مردسالاری و اعمال و تفکرات ضد زن در سراسر جهان است. مناسبت این روز بزرگ اعتصابات و تظاهرات کارگران پارچه بافی و لباس دوزی در نیویورک آمریکا است که در مارس سال ۱۸۵۷ دست از کار کشیده و به خیابانها ریختند و خواستار پایان یافتن تبعیضات جنسی و نیز افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار و بهبود مناسبات محل کار شدند. با اینکه این تظاهرات با سیاست سرکوب هیئت حاکمه آمریکا مواجه شد، اما بمثابة نقطه عطف تاریخ مبارزات زنان، عامل محرکه مبارزات و دست آوردهای بعدی جنبش رهایی زنان در سراسر جهان شد. و بعد از مدت کمی به کوشش زنان سوسیالیست در راس آنها کمونیست مشهور، کلارا زتکین در سال ۱۹۱۳ هشت مارس بعنوان روز جهانی زن تثبیت شد. و بالاخره در سال ۱۹۷۵، یعنی حدود ۹۰ سال بعد از مبارزاتی سخت بعنوان روز جهانی همبستگی با مبارزات زنان به سازمان ملل نیز تحمیل گردید.

طی این مدت با وجود اینکه مبارزه برای رهایی زنان از تبعیضات جنسی و سنت های مردسالاری دست آوردهای زیادی در برداشته است. اما در بسیاری از نقاط جهان از جمله در ایران هنوز خواست هائی که توسط زنان کارگر نیویورک در یکصد و پنجاه سال قبل مطرح شدند، برآورده نشده است. در خود آمریکا که یکی از پرآوازه ترین کشورهای



زنده باد هشتم مارس، روز همبستگی انقلابی با مبارزه زنان در سراسر جهان...**جمهوری شورایی، آغاز جامعه به****ساختمان سوسیالیسم است، در****سوسیالیسم مالکیت خصوصی بورژوازی بر****ابزار تولید و مبادله اجتماعی می شوند.****اقتصاد از طریق تولیدکنندگان آزاد و****متشکل سازمان می یابد.****با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله****به مالکیت اجتماعی در میاید. اما این امر****یک شبه صورت نمی گیرد، دوران ساختمان****سوسیالیسم سرشار از تحولات و پیشروها و****عقب نشینی هاست. در جمهوری شورایی با****توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و****با در نظر گرفتن شرایط و مناسبات حاکم،****از سلب مالکیت کنندگان سلب مالکیت می****شود و در اختیار صاحبان واقعی، یعنی****تولیدکنندگان متشکل در شوراها و****نهادهای مردمی قرار می گیرد.***** در جمهوری فدراتیو شورایی که بر****ویرانه های جامعه سرمایه داری بنا می****شود کلیه موسسات مذهبی، دولتی،****شرکتها، صنایع و کارخانجات، کارتل ها و****تراست ها و کلیه وسایل تولید و مبادله در****دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به****صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان****آزاد متحد و متشکل موسسات باز می گردد****و سلطه سرمایه داران و دلالان و محترکین****بر می افتد.***** در جمهوری فدراتیو شورایی گذران از****طریق بهره، ربا و نظایر اینها ممنوع و****جرم محسوب می گردد و هر شخص قادر به****کار که کار نکند نمیخورد.**

این وجود برای احقاق حقوق پایمال شده

خویش و پایان دادن به آپارتاید جنسی تاکنون

قشارهای زیادی را متحمل شده اند. زندان،

شکنجه، تجاوز، اعدام، روشها و سیاست

هائی بوده است که تاکنون رژیم جمهوری

اسلامی بر علیه زنان مبارز بکار برده است

، اما هرگز نتوانسته صدای آزادیخواهانه

و برابری طلبانه آنها را خاموش سازد.

هشت مارس امسال را به روز همبستگی با

مبارزات زنان در سراسر جهان بویژه به

روز همبستگی با زنان کشورهای درگیر جنگ

و ویرانی در خاورمیانه، به روز اعتراض به

آپارتاید جنسی در جامعه و خانه و مدرسه

و محل کار و به روز مبارزه برای آزادی

و سوسیالیسم تبدیل کنیم و با تداوم مبارزات

خود بر علیه نظام زن ستیز جمهوری اسلامی

یاد زنان و مردان سوسیالیست و مترقی

و انقلابی را که جان و هستی خویش را در راه

نابودی یکی از پلید ترین پیامدهای نظام

طبقاتی نهادند، گرامی داریم.

شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان

کمونیست فرانسین ۸ مارس روز جهانی

زن را به همه پیکارگران راه آزادی زن و

میلیونهازن مبارز آزاده در سراسر ایران شادباش

میگویدو آنها را به رزم مشترک در راه آزادی

از تبعیضات جنسی و ستم و استثمار سرمایه

داری فرامیخواند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

پنجم اسفند ماه

و همه بمثابة تبعات نظام منحط سرمایه داری

بر زنان اعمال میشود. در کشور ما ایران نیز

برغم تاریخ یکصدساله مبارزه زنان برای

لغو آپارتاید جنسی، اما هنوز روشها و سنت

های ارتجاعی زن ستیز نه تنها از بین نرفته

است بلکه در نتیجه استقرار حکومت مذهبی،

سنت های عقب مانده و زن ستیز اسلامی به

وسیله زور سرنیزه دولت، قانونیت پیدا کرده

است و زن همچون سالهای اول قرن گذشته

دربی حقوقی و تحقیر و تبعیض به سر میبرد

و در بهترین حالت بعنوان نصف مرد به

حساب میاید. بنابراین است که مبارزات

زنان در پی کار علیه ستم و استثمار و زور

و سرکوب نظام سرمایه داری و دولت مذهبی

آن در ایران از جایگاه مهمی برخوردار است

و باید مورد پشتیبانی و حمایت افکار عمومی

مترقی ایران و جهان قرار گیرد. چراکه معیار

آزادی خواهی و سلامت هر جامعه ای

در میزان دفاع از حقوق زنان و برسمیت

شناختن و رعایت آن در عمل است که سنجیده

میشود.

از همین رو است که ۸ مارس را باید به

روز همبستگی جهانی با مبارزات زنان این

کشورها بویژه کشورهای خاورمیانه و آفریقا

که بیشترین فشار و صدمات ناشی از جنگ و

کشتار و آوارگی و در بدری را بردوش

میکنند، تبدیل کرد.

در کشور ما ایران نیز مبارزه زنان و مردانی که

بر علیه آپارتاید جنسی، مردسالاری و قوانین

ارتجاعی مذهبی مبارزه میکنند، در حال

گسترش است. بخش اعظم زنان بویژه زنان

جوان و روشنفکر در مبارزه با آپارتاید جنسی

با یکی از زن ستیزترین رژیم مذهبی دنیا

در جامعه ای عمیقاً مردسالار مواجه اند با

آخرین اخبار و گزارشات،**مقالات، اطلاعیه ها و****نشریات و برنامه سازمان****اتحاد فداییان کمونیست را****از سایت زیر دریافت کنید:****www.fedayi.org**

حجاب و جنبش جهانی زنان

تعریف میکند در تناقض محض با آنچه است که اسلام از زن و حیاتش در هر عرصه ای از زیست بدست میدهد و مشروع میداند. فمینیسم اسلامی زن ستیزی اسلام را ناشی از برداشت غلط و مردانه از قرآن و قوانین اسلام میداند و راه حل را در ترجمان مورد قبولتری از آیه های قرآن و روایتهای جدیدتری از احادیث و قوانین شریعه میبیند و قول میدهد از این مرداب لجنزار برای زنان مروارید صید کند. این جماعت از ریاکارترین فروشندگان اسلام هستند.

یکی از همین مدافعین فمینیسم اسلامی خانم نیره توحیدی است که بارها در بحثهایش به طرح ائتلاف تمام گرایشها در جنبش زنان تاکید کرده و بسیار تردستانه همسران کارگزاران و جنایتکاران رژیم و زنان کارگزار فرهنگ "یا روسری یا توسری" را بخشی از این جنبش بحساب آورده است. ایشان برای متعارف کردن جنایات رژیم علیه زنان بشکل شاعرانه ای ایراد حجاب تحمیلی را در رنگ سیاه و دلمرده آن معرفی می کند و زنان رژیم اسلامی را با قریحه ای شاعرانه و بقول خودش "زنانه" بتصویر می کشد. و عجالتا زنان را بدنبال نخود سیاه در لابلای سوره های قرآن میفرستد و در عین حال با چماق "سنت مردم و مذهب مردم" به مثله کردن عدالتجویی و برابری خواهی جنبش زنان مشغول میشود. در تفکر خانم توحیدی حجاب زمانی بد و دلگیر کننده است که رنگش تیره و حزن انگیز باشد و گرنه از نظر ایشان قبل از رژیم اسلامی هم زنان ترکمن روسری می پوشیدند ولی از نوع نشاط آور و رنگارنگش.

در مصاحبه ای با اشاره به زهرا رهنورد در جریان جنبش 88 روسری گلدان او را تحسین کرده و آنرا "یک سنت شکنی و اقدامی در تضاد با ظلمت و سرکوب" بحساب آورده که بنظر خانم توحیدی یک نماد "زیبا پسندانه و زنانه" است. ایشان همچنین با گریزی ادبی به سمبلیک بودن رنگ همه شمول "سبز"، بر این اعتقاد است که جنبش زنان باید ائتلاف پذیر و همه گرا باشد. برایش روسری گلدان زهرا رهنورد و کیف رنگارنگش مظهر ستیز با رنگ مشکی که یک اجبار دولتی و حجاب رسمی است، تلقی میشود. این نوع فمینیسم! قهرمانانش هم زهرا رهنوردها، عاطفه رفسنجانی ها و جمیله کدیورها میشوند. و با بیشرمی به حافظه سیاسی زنان ایران هم توهین میکند که: "... من جنبش سبز را جنبشی فرایدئولوژیک و خشونت پرهیز با ابعاد گسترده زنانه و فمینیستی می دانم، که حضور خانم زهرا رهنورد در دل آن، یکی از دلایل شکل گرفتن این ویژگی ها بود "

بله، جنبش سبزی که آرزو داشت ایران را به دوران طلایی امام برگرداند که از قضا دوران بسیار فمینیستی ای هم بود!!! وقتی که جنبشی به عظمت جنبش جهانی زنان، اجازه بدهد در گوشه و کنار خواسته ها و مطالباتش جایی هم برای عرضه کنندگان فرهنگ فرودستی و بردگی زنان باز کند و به بهانه اعتراض به پناهنده ستیزی غرب به ادعای "اسلاموفوبیا" رسمیت ببخشد، طبیعی است که میدان را برای این آفات و سموم در درون جنبش عدالتجویی و حق طلبی زنان خالی میگذارد.

اگر در بُعد زمانی دیگری بسر میبردیم و گاهی هم شاهد آمدن این زنان با پوشش

اسلامی در خیابانهای تهران و کابل و مدینه بودیم که از سر اتفاق برای حمایت از زنانی که بر طبق میلشان میخواهند مینی ژوپ بپوشند، دست به اعتراض زده بودند، شاید میشد آزادی پوشش، که شامل پوشش اسلامی هم بشود را به بحث نشست. ولی در دنیای واقعی که مرتجعین اسلامی زنان را خرید و فروش میکنند، به کودکان دختر تجاوز می کنند، اسید می پاشند و سنگسار می کنند و میسوزانند، حجاب یعنی تمام این جنایات. پوشش اسلامی زنان، دستکم در تاریخ معاصر، نماینده این چنین کارنامه خونین، وحشیانه، و تحقیرآمیز نسبت به زنان است و آنرا با این سیاه بازیها نمیتوان از دستور مبارزه سیاسی خارج ساخته و یا به یک سوژه درجه چندم تبدیل کرد.

جنبش رادیکال زنان، حجاب را یکی از ارکان اصلی اسلام میداند که به منظور سرکوب زنان و کنترل آنان ساخته و پرداخته گشته است. حجاب، برخلاف آنچه که این مدافعینش ادعا دارند نه حافظ زنان از تعرض مردان، بلکه کاملاً برعکس، مظهر خود این تعرض است. و نه نشانه وقار که نشانه انقیاد و فرودستی زنان است.

جنبش جهانی زنان باید بتواند به این دوگانگی پاسخ روشنی بدهد و در مقابلش موضع صریحی بگیرد و گرنه در مقابل این جانوران مودی اسلامی زمینگیر میشود. نه با پرچم فاشسیم میشود به جنگ فاشسیم رفت و نه با پرچم اسارت جنسی زنان، میشود به جناحی از یک جنبش علیه بیحقوقی زنان تبدیل شد. شتر سواری دولا دولا نمیشود.

نوشین شفاهی

11 مارس 2017

کارگران گروه صنعتی ملی فولاد اهواز و کارگران معترض سایر مراکز تولیدی را به اعتصابات تظاهراتی فرامیخوانیم.

اعتصابی صد ها موسسه دیگر احتیاج به حمایت و پشتیبانی دارند. ما همه کارگران کارخانه ها و مراکز کارگری و نیز زحمتکشان و جوانان اهوز را به حمایت از کارگران اعتصابی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز فرامیخوانیم.

همچنین به کارگران اعتصابی توصیه میکنیم از طریق دست زدن به اعتصاب تظاهراتی اعتراضات خود را به خیابانها کشانده و مشکلات خود را با توده های زحمتکش دیگر در میان بگذارند و پشتیبانی آنها را جلب کنند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
هفتم اسفند ماه ۱۳۹۵

اهواز واگزار شد که پس از ماجرای اختلاس ۳ هزار میلیاردی و مصادره شرکت های متهم اصلی پرونده و سپس اعدام وی، مدیریت این کارخانه ها به باندها و نورچشمی های سران رژیم با نظارت قوه قضائیه که خود از دزدان و اختلاس گران عمده است، واگذار شد.

بدنبال واگذاری این مجتمع از آن پس کارگران بامدیرانی مواجه شدند که با پشت گرمی به قوه قضائیه بیش از مدیران قبلی تعرض به حقوق و معیشت کارگران را در پیش گرفتند و نه تنها حق سنوات و مطالبات عقب افتاده کارگران در دوره قبلی را پرداخت نمودند بلکه بیش از ۵ ماه است که از پرداخت حقوق کارگران به بهانه های مختلف خودداری میکنند.

اینک که گرانی و سطح پائین دستمزد ها فشار اقتصادی فوق العاده ای را بر کارگران و خانواده آنها تحمیل کرده است، عدم پرداخت بموقع همان دستمزد های ناچیز و به تعویق انداختن پرداخت آنها جان کارگران این واحد صنعتی را به لب آورده و برغم سرنیزه سرکوبی که توسط مدیران منتصب قوه قضائیه بالای سرشان آویزان کرده اند، به پا خواسته و اعلام کرده اند تا تحقق مطالباتشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

در این میان جناح های متعارض رژیم در این ماجرا هر کدام سعی دارند با پشتیبانی ضمنی از اعتراضات و اعتصابات کارگران از یک طرف مبارزات آنها را وجه المصلحه خود ببانند های دیگر سرمایه داران و صاحبان قدرت قرار دهند و از سوی دیگر استقلال طبقاتی کارگران را خدشه دار کرده و مبارزات آنها را مهار کنند.

کارگران گروه ملی فولاد همچون کارگران

اعتصابات و اعتراضات کارگری سراسر کشور را در بر گرفته است. بیش از چهار هزار کارگر گروه ملی صنعتی فولاد اهواز پانزده روز است که در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست از کار کشیده اند.

کارگران این مجتمع صنعتی، همچون هزاران کارگر کارخانه ها و مراکز صنعتی دیگر خواهان مشخص شدن وضعیت پرداخت مطالبات معوقه خود هستند.

به گفته یکی از کارگران: مدیریت کنونی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز با پرداخت نامنظم دستمزد و حق بیمه حدود ۴ هزار کارگر شاغل در این کارخانه باعث تشدید وضعیت اقتصادی خانواده های این کارگران شده اند.

نزدیک به ۴ هزار کارگر رسمی و قراردادی این شرکت بیش از ۵ ماه است که حقوق و معوقات خود را دریافت ننموده اند. علاوه بر این حق سنوات هر کدام از این کارگران که بالغ بر ۶ میلیون تومان میشود نیز سالها است که پرداخت نشده است.

دلیل دیگر اعتراض کارگران این واحد تولیدی، مربوط به پرداخت نشدن حق بیمه از جانب کارفرما به سازمان تامین اجتماعی است که مشکلات مضاعفی برای کارگران ایجاد کرده است.

به نقل از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز گفته می شود: تا این لحظه از جانب مدیریت کارخانه و مسئولان استانی پاسخ مشخصی به خواسته های آنان داده نشده؛ در نتیجه اعتراض کارگران استمرار پیدا کرده است.

گروه ملی فولاد اهواز یکی از شرکتهایی است که در جریان خصوصی سازیها به گروه سرمایه گذاری امیر منصور آریا در

ادامه از صفحه ۲

دست پخت دولت در تعیین حداقل دستمزدها...

سال ۹۶ در چهارچوب اقتصاد مقاومتی فرموده ولی فقیه، استراتژی روشنی است مبنی بر فشار بیشتر و تحمیل ریاضت بر طبقه کارگر و سایر زحمتکشان مزد بگیر و مبارزه با این سیاست ها طبیعتاً از حوزه صنفی و خواست های محدود اقتصادی فراتر می رود. تجربه بارها نشان داده است در شرایط فقدان اتحاد لازم و تشکل مستقل طبقاتی توازن قوای ناشی از آن به نحوی است که دست استثمارگران را باز میگذارد تا همیشه حرف خود را به کرسی بنشانند.

و تنها با اتحاد و تشکل مستقل در اشکال مختلف آن و تلفیق خواست های فوری با پیکار برضد برنامه های استراتژیک ضد کارگری رژیم میتوان توازن قوا را برای تحقق مطالبات اقتصادی، از جمله افزایش دستمزد ها، به پیش برد رژیم را وادار به عقب نشینی کرد.

یاد مارکس آموزگار کبیر پرلتاریا جاودانه است.

مارکس در 14 مارس 1884 دیده از جهان فرو بست. بامرگ مارکس هر چند طبقه کارگر بزرگترین تئورسین خود را از دست داد، اما آموزه های مارکس طبقه کارگر را به جایگاهی رساند که بمثابة نیروی بالنده تاریخ و پیشناز تحولات اجتماعی، پای به عرصه وجود گذاشت.

مارکس نقد نظام سرمایه داری را از نقد اقتصاد سیاسی بورژوازی آغاز کرد و سپس ناگزیری و نیز قانونمندیهای تحول سرمایه داری به سوسیالیسم را نتیجه گرفت. مارکس در عین حال که بنیادی ترین عوامل عینی و تاریخی تغییرات جوامع بشری و پیچیدگیهای آنها مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد هیچ حوزه دیگری از دانش اجتماعی بشر نبود که مارکس در تئوریهای خود بدان نپرداخته باشد.

شناخت قانونمندیهای نظام سرمایه داری و نقش و رسالت پرلتاریا در درگرگونی انقلابی آن به سوسیالیسم، هر چند موضوع اصلی کار تحقیقی و تئوریک مارکس بود اما مارکس تاریخ جوامع بشری را نیز به نقد کشید و تاریخ تحولات جامعه بشری در گذشته را بمثابة پیش زمینه های جوامع معاصر مورد ارزیابی قرار داد. زمانیکه مارکس دیده از جهان فرو بست چشم انداز نوینی را در مقابل طبقه کارگر و جامعه بشری گشود، و اعلام کرد که دنیای دیگری هم ممکن و هم اجتناب ناپذیر است. بعد ها هر چند که خود مارکس نقاب در خاک کشید اما نام او در عرصه مبارزه طبقاتی لریزه

بر اندام طبقات ارتجاعی حاکم بر جهان سرمایه انداخت.

امروز آموزشهای علمی مارکس در سرتاسر جهان بمثابة علم رهائی پرلتاریا راهنمای مبارزات طبقه کارگر است. حتی دشمنان قسم خورده وی نیز قادر به کتمان حقایق تئوریهای مارکس نیستند. همین واقعیت نیز باعث شده تا دشمنان مارکسیسم نیز برای مبارزه با آموخته های مارکس خود را به لباس مارکسیسم بیارایند. و به بهانه دفاع از نظریات مارکس آموزشهای انقلابی او را از محتوا تهی سازند.

در حالیکه معیار وفاداری به مارکس نه در گرفتار، بلکه کار بست عملی آن در عرصه مبارزه طبقاتی در راه رسیدن به اهداف پرلتاریا محک میخورد.

مارکس خود در دوران حیات اش در کار بست تئوری در مبارزه طبقاتی و اتخاذ سیاست در مهم ترین تحولات اجتماعی در دوران خود نمونه های درخشانی برجای گذاشته است. برخلاف اظهارات اپورتونیستی منادیان «بازگشت به مارکس»، او تنها یک تئورسین نابغه نبود بلکه پراتیسین و پیشناز مبارزات طبقه کارگر دوران خود نیز بود. لنین میگوید «مارکس وظیفه بنیادی تاکتیک پرلتاریا را در انطباق کامل با تمام محمل های جهانی دنیای کتیک اش تعیین می کرد. تنها به حساب آوردن عینی مجموعه مناسبات کلیه طبقات جامعه مفروض و نیز بنابراین

بحساب آوردن مرحله عینی تکامل این جامعه و بحساب آوردن مناسبات متقابل موجود میان این جامعه و سایر جامعه ها میتواند تکیه گاه تاکتیک درست طبقه پیشرو قرار گیرد.»

آموزشهای مارکس در اقتصاد، فلسفه و تاریخ ارارانه روش علمی او در پرداختن به مبارزه طبقاتی نیز نهفته بود. روشی که هم تدوین تئوری مارکسیسم را میسر ساخت و هم کار بست عملی آن در تحولات اجتماعی و تاریخی دوران او را نیز امکان پذیر ساخت. مارکس از طریق شرکت عملی در مبارزه طبقاتی دوران خود بود که تئوری خویش را نیز تکامل داد. روش و متدولوژی او در مواجهه با معضلات پیش روی جنبشی که گامهای اولیه خود را در مبارزه علیه سرمایه برداشت در وسعت نظر و اندیشه او در تدوین نظراتی که در هم شکستن نظم سرمایه داری و سازماندهی جامعه عاری از ستم و استثمار را از عرصه تخیلات به عرصه عمل انقلابی در میآورد. نقش مهمی بازی کرد.

یاد مارکس با قهرمانیهای طبقه کارگر برای رهائی خود و کل بشریت از نظام استثمارگرانه سرمایه داری و بر پرچم رزم انقلابی طبقه کارگر در مبارزه اشستی ناپذیر اش علیه سرمایه جاودانه گشته است.

یاد اش پر رهرو باد.

به کانال تلگرام ما پیوندید

@fedayi1349

آخرین اخبار و گزارشات، مقالات، اطلاعیه ها و نشریات سازمان اتحاد فداییان کمونیست را از کانال فدائی در تلگرام دریافت کنید.



گرامی باد یاد رفیق مسعود احمدزاده



یازدهم اسفند ماه 1350 10 تنافدائیان خلق باشعار زنده باد کمونیسم، در برابر جوخه های اعدام حکومت سرمایه قرار گرفتند .

در آن زمان کمتر کسی به این واقعیت پی برده جنبش کمونیستی و کارگری ایران چه کسانی را از دست داده است. درست همان موقع که در بیدادگاه های رژیم شاه ، هنگامیکه با ورود مردی با چهره ای مصمم و چشمانی ناقد، اما تکیده از شکنجه ، همه فدائیان به احترام او از جای برخاستند. کمتر کسی میتوانست درک کند که این همه قدرت نفوذ محصول چیست؟ اگرچه آن زمان نام مسعود احمدزاده بر هیچکس نا آشنا نبود، ولی رمز قدرت او در عزمی نهفته بود که تنها کسانی که مسعود را میشناختند و با قدرت خلاقه او آشنا بودند، میتوانستند از قدرت مسعود ادراک یابند.

رژیم شاه بخوبی میدانست که چه کسی را به جوخه اعدام میسپارد. و چگونه در مقابله با اراده و عزم او در تمامی عرصه هاشکست کامل خورده است. نه شکنجه و نه هیچ چیز دیگری بر لبان ناگشوده مسعود کارگر نیافتاده بود ، اما یک چیز مسلم گشته بود ، دیگر مسعود حتی بعد از اعدام نیز زنده بود .

مسعود سازمانی را پی ریخته بود، جنبشی را برانگیخته بود، حرکتی را سازمان داده بود که رژیم سرمایه قادر به اعدام آن نبود، عزم و اراده مسعود، در درگ و پی سازمان چریکهای فدائی خلق تجسم مادی

یافته بود. اعدام مسعود، پایان کار نبود، مسعود قدرت و نفوذ خود را به قدرت و نفوذ کمونیسم در میان توده ها پیوند زده بود و این همه در سازمان او، دیگر شکفته بود و به ثمر نشسته بود. مسعود تولد دوباره خود را پشت سر نهاده بود. او سازمانی را بنیاد نهاده بود که بانخستین شعله های سرکش قیام توده ها، به بزرگترین سازمان توده های کارگر و زحمتکش سراسر ایران مبدل شد.

مسعود با درک این واقعیت که بن بست جنبش کمونیستی ایران در کجاست، با تحلیل علمی از روند انقلاب در ایران و ارزیابی از تحولات درهه چهل ، بر بسیاری از نقاط کور جنبش کمونیستی پرتو افکنده ، گشایش نوینی را در عرصه سازماندهی و حرکت آتی آن ایجاد کرد.

به همان اندازه که اعلام موجودیت سازمان اذهان همه را به سوی خود جلب نموده بود ، به همان اندازه انتشار مبانی تحلیلی آن از تحولات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی جامعه را متوجه خود کرد و به جنبش کمونیستی ایران هویت نوینی بخشید.

امروز یاد مسعود احمدزاده و یاد تمامی فدائیان کمونیستی که در راه سوسیالیسم جان باختند در مبارزه انقلابی برای محو نظام

سرمایه داری و تجدید حیات جنبش کمونیستی ایران تبلور میابد. مسعود یک راهگشای برجسته و کمونیستی انقلابی بود که فرصت آن را نیافت تا مسیری را که گشوده بود و جنبش کمونیستی را به سمت آن هدایت کرده بود به بررسی تجربه عملی بنشیند و در جمع بندی از نقاط ضعف و قوت آن موانع و بن بست ها را بگشاید.

یاد مسعود و نام مسعود هم چنان بر پرچم مبارزه طبقه کارگر و رزم کمونیستهای فدائی و پرتاریای ایران برای رهائی نقش بسته است .

یاداش گرامی باد

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر می شود .

**مسئول اجرایی : سالار حسامی
شماره پیغامگیر ، واتس آپ و وایبر
سازمان**

+46738924823

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید :

.....
روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org